



این عقود اصلاً برای این کارها نبوده است، بلکه ما مسلمان‌ها این عقود را وارد بانکداری کرده‌ایم. کلاً تنوع عقود هم برای کسی که تسهیلات می‌گیرد، هم برای کسی که تسهیلات می‌دهد مشکل‌ساز است. طبیعتاً هر کاری هر قدر ساده‌تر اجرا شود بهتر است. عقود معاملاتی که تحت عناوین مزایحه، مزارعه، مضاربه و... استفاده می‌کنیم، عقود امضایی پیامبر هستند. احکام به دو دسته، تأسیسی و امضایی تقسیم می‌شوند

وقت وزارت اقتصاد نیز تقریباً با این ایده که عقود مشارکتی و مبادله‌ای باید در بانک‌ها تفکیک شوند، موافق بود؛ در حالی که ما به عنوان اعضای هیأت مدیره بانک‌ها معتقد بودیم بانک‌ها باید بتوانند تمام خدمات مورد نیاز مشتریان‌شان را ارائه دهند. نمی‌شود شما سوپرمارکت داشته باشید، اما در آن فقط یک یا دو نوع کالای خاص بفروشید. در مجموع، موضوع بانک‌های قرض‌الحسنه در آن مقطع اینقدر جدی شده بود که حتی مدیرعامل وقت بانک ملی در سفری که در سال ۸۷ به قم داشت، در دیدار با برخی از علما گفته بود بانک ملی باید به بانک قرض‌الحسنه تبدیل شود؛ ایده‌ای که البته اصل آن متعلق به احمدی‌نژاد بود. احمدی‌نژاد از همان سال‌های اول حضورش در مسند ریاست جمهوری، قصد داشت دو اقدام اساسی را به سرانجام برساند. اقدام اول اینکه می‌خواست سازمان برنامه را منحل کند و اقدام دوم اینکه قصد داشت ساختار نظام بانکی را تغییر دهد. «اتفاقات و تصمیمات رخ داده در دوره سرپرستی حسین مصمصی در وزارت اقتصاد و نگاه تند او به ایجاد تغییرات اساسی در نظام بانکی، شاید از جمله دلایلی بود که منجر به نگرانی بانک‌ها و آغاز فعالیت‌هایی از سوی بانک‌ها با محوریت شورای هماهنگی بانک‌ها در مقابل نگاه مصمصی می‌شود. عیوضلو در تشریح اتفاقات آن روزها می‌گوید: «شورای هماهنگی بانک‌های دولتی که متشکل از بانک‌های دولتی و خصولتی بود، با دیدن این شرایط تصمیم گرفت نسبت به این اتفاقات واکنش نشان دهد؛ برای همین به تمام بانک‌ها نامه‌نگاری کرده و از تمام بانک خواست تا هر بانکی یک نفر از اعضای هیأت مدیره خود را برای شرکت در جلسات این شورا معرفی کند. طبق صحبت‌های مصمصی قرار بود با انجام طرحی، کل نظام بانکی به هم ریخته و اصطلاحاً کن‌فیکون شود. حتی برای اینکه حساب‌های بانکی با مشکل مواجه نشوند، این ایده مطرح شده بود که بانک‌های تجاری از این به بعد فقط باید با عقود مبادله‌ای کار کنند و عقود مشارکتی صرفاً در بانک‌های توسعه‌ای و تخصصی باشد. این اولین تحولی بود که قرار شد در راستای تغییر نظام بانکی انجام شود. بدین ترتیب شورای هماهنگی بانک‌ها وقتی از این موضوع باخبر شد، از هر بانکی خواست تا یکی از اعضای هیأت مدیره را به این شورا معرفی کنند تا در راستای همفکری جلساتی با حضور نمایندگان تمام بانک‌ها برگزار شود. هدف شورای هماهنگی بانک‌ها از این اقدام این بود که بتواند یک جریان موازی با جریان آقایان داوودی و مصمصی ایجاد شود تا به اصطلاح با ایجاد انحراف در طرح آنها، به نوعی این طرح را با مانع یا تأخیر مواجه کند؛ چرا که به هر حال بانک‌ها نسبت به این طرح نگران بودند و به باور آنها طرح مصمصی امکان عملیاتی شدن نداشت. در جلساتی که با حضور نمایندگان تمام بانک‌ها تشکیل شد، من نیز

تحقیق و تفحص از قرعه‌کشی بانک‌ها
در اواخر بهمن ماه سال ۸۶، مرتضی تمدن عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی از تحقیق و تفحص مجلس از بانک‌های کشور در خصوص جواز قرعه‌کشی خبر می‌دهد. تمدن می‌گوید: «این تحقیق و تفحص در راستای شفاف‌سازی نوع واگذاری جواز بانکی و بررسی تبلیغات گسترده در این زمینه انجام می‌شود.» به گفته او قرار است در این تحقیق و تفحص، موضوع تعداد خودروهایی که بانک‌ها به عنوان جواز قرعه‌کشی اعلام کرده‌اند تا زمان تحویل به برندگان این قرعه‌کشی‌ها بررسی شود. محمود بهمنی که بعدها به ریاست بانک مرکزی ایران منصوب می‌شود، در زمان طرح تحقیق و تفحص مجلس هفتم از نظام بانکی، به عنوان عضو هیأت مدیره بانک ملی در یکی از تیم‌های تحقیق و تفحص حضور دارد. همچنین بررسی‌هایی که از طریق تیم‌های مشترک میان اعضای هیأت مدیره بانک‌ها و نمایندگان مجلس و درباره وضعیت نظام بانکی کشور انجام می‌گیرد، نتایج این بررسی‌ها بعدها در تدوین پیش‌نویس‌های قوانین بانکداری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

به نمایندگی از بانک توسعه صادرات در این جلسات حضور یافتیم. بعد از بحث‌های اولیه قرار شد اقدام متقابلی در برابر این طرز فکر و نگاه داشته باشیم. من همان‌جا خطاب به سایر اعضای شرکت‌کننده در جلسه گفتیم اتفاقاً ما بیشتر از این آقایان طرفدار تحول هستیم، اما معتقدیم مبنای این تحول باید مبانی اسلامی بوده و یک تحول بنیادین شکل بگیرد. بنابراین، طرح تحول بنیادین نظام بانکی مطرح و من از طرف تمام بانک‌ها به عنوان مسئول این طرح انتخاب شدم. طرحی نوشتیم و بودجه‌ای حدود ۶۰۰ میلیون تومانی برای آن در نظر گرفتیم که نصف آن مصوب شد. از آن تاریخ به بعد تمام امکانات و ظرفیت شورای هماهنگی بانک‌ها برای تدوین این طرح در اختیار ما قرار گرفت. «یکی از دلایل شورای هماهنگی بانک‌ها در مخالفت با طرح مصمصی این بود که حساب‌های بانکی به یکدیگر وابسته‌اند و تقسیم‌بندی عقود مبادله‌ای و مشارکتی میان بانک‌های تجاری و تخصصی به این راحتی‌ها ممکن نیست؛ چرا که هم بانک‌های تجاری عقود مشارکتی داشته‌اند و هم بانک‌های توسعه‌ای و تخصصی عقود مبادله‌ای انجام داده‌اند؛ بنابراین نمی‌شود این کار را با سرعت انجام داد. عیوضلو در این باره می‌گوید: «متأسفانه آقای مصمصی و دوستان‌شان گمان می‌کردند، می‌شود یک شبه یا مثلاً در مدت زمان کوتاهی این کار را انجام داد، در صورتی که ما چنین تصویری نداشتیم. بنابراین، از آنجا که طرح و ایده وزارت اقتصاد را قبول نداشتیم، سعی کردیم در روند اجرای آن انحراف و تأخیر ایجاد کنیم. بعد از تشکیل جلسات شورای هماهنگی بانک‌ها یک جمع‌بندی چندصفحه‌ای از طرح خودمان را آماده و با منطق خاص خودمان شروع به مکاتبه با نهاد‌هایی چون مجمع تشخیص مصلحت نظام کردیم. سعی کردیم به خیلی جاها نامه‌نگاری کنیم و با انتقاد از طرح مطرح شده در وزارت اقتصاد، و شمشیر آتش این ماجرا را خاموش و شمشیر آنها را کند کنیم؛ کاری که تا حد زیادی نیز در انجام آن موفق بودیم. البته بعد از کنار رفتن مصمصی از سرپرستی وزارت اقتصاد و روی کار آمدن سیدشمس‌الدین حسینی به عنوان وزیر اقتصاد، موضوع متفاوت شد و عملاً آن نگاه تند به مقوله نظام بانکی از وزارت اقتصاد خارج شد. البته اگرچه فعالیت‌های مصمصی در زمان سرپرستی وزارت اقتصاد و تغییرات مدنظر او در ساختار بانکی کشور به فرجام نرسید، اما از آنجا که آنها معتقد بودند بانک‌های تخصصی و توسعه‌ای باید به شرکت‌های تأمین سرمایه تبدیل شوند و بانک‌های تجاری صرفاً فعالیت‌های مبادله‌ای کنند، یکی از خروجی‌های این نگاه، رویش شرکت‌های تأمین سرمایه بود؛ یعنی بدون اینکه بانک‌های تخصصی و توسعه‌ای منحل شده یا تغییر ماهیت دهند، این ایده باعث شد تا شرکت‌های تأمین سرمایه زیادی در ایران ایجاد شوند.»

کنترل اضافه برداشت بانک‌ها و کاهش بدهی آنها به بانک مرکزی می‌شود. مصمصی در این نامه از مدیران عامل بانک‌ها می‌خواهد تا برنامه عملیاتی و مدون خود برای جلوگیری از افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی را به این وارتخانه تقدیم کنند. در این نامه مسئولیت افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی، به طور مستقیم متوجه مدیران عامل بانک‌ها شده است. مصمصی با اشاره به رشد ۸۷ درصدی مانده مطالبات بانک مرکزی از بانک‌ها که از مبلغ ۷۷ هزار میلیارد ریال در ابتدای سال ۸۶ به ۱۴۴ هزار میلیارد ریال در پایان سال رسیده است، نسبت به تداوم روند مذکور در سال جاری که منجر به افزایش ۱۲ درصدی این مطالبات خواهد شد، هشدار می‌دهد. حسین عیوضلو که در آن زمان عضو هیأت مدیره بانک دولتی توسعه صادرات است، اتفاقات پیش‌آمده بعد از حضور

مجلس شورای اسلامی از تحقیق و تفحص مجلس از بانک‌های کشور در خصوص جواز قرعه‌کشی خبر می‌دهد. تمدن می‌گوید: «این تحقیق و تفحص در راستای شفاف‌سازی نوع واگذاری جواز بانکی و بررسی تبلیغات گسترده در این زمینه انجام می‌شود.» به گفته او قرار است در این تحقیق و تفحص، موضوع تعداد خودروهایی که بانک‌ها به عنوان جواز قرعه‌کشی اعلام کرده‌اند تا زمان تحویل به برندگان این قرعه‌کشی‌ها بررسی شود. محمود بهمنی که بعدها به ریاست بانک مرکزی ایران منصوب می‌شود، در زمان طرح تحقیق و تفحص مجلس هفتم از نظام بانکی، به عنوان عضو هیأت مدیره بانک ملی در یکی از تیم‌های تحقیق و تفحص حضور دارد. همچنین بررسی‌هایی که از طریق تیم‌های مشترک میان اعضای هیأت مدیره بانک‌ها و نمایندگان مجلس انجام می‌گیرد، نتایج این بررسی‌ها بعدها در تدوین پیش‌نویس‌های قوانین بانکداری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

دنبال این است تا مشخص شود بالاترین تسهیلات به چه افرادی پرداخت شده و بانک‌های کشور تا چه میزان از قوانین بانکداری اسلامی تبعیت می‌کنند؛ از این رو، کمیته‌ها و تیم‌های مختلفی از اعضای هیأت مدیره بانک‌ها و نمایندگان مجلس تشکیل می‌شود. هشت ماه پس از تصویب طرح تحقیق و تفحص از بانک‌ها، ایرج ندیمی نایب رئیس این هیأت با بیان اینکه کار تحقیق و تفحص از بانک‌ها در دو بخش ادامه دارد، می‌گوید: «در بخش اول افرادی از هیأت به عنوان گروه‌های منتخب در بانک‌ها معین شده و به اعضای هیأت مدیره و مدیران عامل بانک‌ها معرفی شدند.»

وی با اشاره به تعیین محلی برای دریافت نظرات افراد در بانک‌ها گفت: «این کار در همه بانک‌های دولتی اعم از تخصصی و تجاری انجام شده است و هم‌اکنون نظرات و پیشنهادها با احتمالاً شکایات مردم در این کمیسیون‌ها یا بانک‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.»

نایب رئیس هیأت تحقیق و تفحص از بانک‌ها، تعداد نمایندگان این هیأت در هر یک از بانک‌ها را حداقل سه نفر عنوان کرده و می‌گوید: «اعضای این هیأت هر یک مسئول بررسی چند بانک هستند و در روزهای دوشنبه جلسات کارشناسی پیرامون مسائل علمی، اجرایی و مدیریتی با حضور اعضای هیأت مدیره بانک‌ها با نمایندگان آنها برگزار می‌کنند.»

وی هدف از برگزاری این جلسات را بررسی ریشه‌ها و علل واقعی تمایل نداشتن بانک‌ها به خصوصی‌سازی و پی‌بردن به رابطه واقعی نرخ تورم و نرخ سود بانکی در اقتصاد کشور عنوان می‌کند؛ موضوعی که حتی بعدها ادامه خصوصی‌سازی بانک‌ها را منوط به نتیجه این تحقیق و تفحص می‌کند. در اواخر بهمن ماه سال ۸۶، مرتضی تمدن عضو کمیسیون برنامه و بودجه

خواهیم پرداخت. در فصل قبل به بررسی پیش‌نویس قانون بانکداری پرداختیم؛ پیش‌نویسی که مسئولیت تدوین و تهیه آن برعهده بانک مرکزی بود. همان‌طور که در فصل قبل نیز اشاره شد، همزمان با آغاز مطالعات برای تدوین پیش‌نویس قانون بانکداری، دو گروه دیگر نیز به صورت موازی و همزمان مطالعاتی را در این زمینه آغاز می‌کنند. گروه اول پشتوانه مشخصی نداشت و منشأ فعالیت آنها در استان قم بود. این گروه به سرپرستی مرحوم عباس موسویان فعالیت می‌کردند و بعد از برگزاری چند جلسه با گروه تدوین‌کننده پیش‌نویس قانون بانکداری با آنها به توافق رسیده و مطالعات خود را در اختیار این گروه قرار می‌دهند. اما گروه دوم که به پشتوانه شورای هماهنگی بانک‌ها وارد این عرصه شده است، به رغم تلاش‌های فراوان و پیش‌رفتن تا مراحل نهایی تدوین قانون، در نهایت به واسطه حواشی پیش‌آمده در جریان اختلاس سه هزار میلیارد تومانی و فرار محمود خاوری به عنوان رئیس وقت شورای هماهنگی بانک‌ها از کشور، با حواشی مواجه شده و به دست فراموشی سپرده می‌شود. در این فصل به بررسی اتفاقات رخ داده در این مقطع زمانی حول فعالیت‌های صورت گرفته برای تدوین قانون بانکداری با محوریت شورای هماهنگی بانک‌ها پرداخته‌ایم.

بیست و دوم فروردین ماه سال ۸۶، طرح تحقیق و تفحص از بانک‌ها در صحن علنی مجلس هفتم شورای اسلامی به تصویب می‌رسد. براساس این طرح، هم‌اکنون بانک‌های دولتی مشمول این تحقیق خواهند بود. مواردی چون بررسی منابع و مصارف، مطالبات مشکوک‌الوصول و لاوصول، وثایق در اختیار بانک و کفایت و میزان سرمایه بانک‌ها و... از جمله موارد این تحقیق و تفحص معرفی می‌شود. ضمن اینکه مجلس به

ایده مصمصی در وزارت اقتصاد را قبول نداشتیم
از آنجا که طرح و ایده وزارت اقتصاد را قبول نداشتیم، سعی کردیم در روند اجرای آن انحراف و تأخیر ایجاد کنیم. بعد از تشکیل جلسات شورای هماهنگی بانک‌ها یک جمع‌بندی چندصفحه‌ای از طرح خودمان را آماده و با منطق خاص خودمان شروع به مکاتبه با نهاد‌هایی چون مجمع تشخیص مصلحت نظام کردیم. سعی کردیم به خیلی جاها نامه‌نگاری کنیم و با انتقاد از طرح مطرح شده در وزارت اقتصاد، اصطلاحاً آتش این ماجرا را خاموش و شمشیر آنها را کند کنیم؛ کاری که تا حد زیادی نیز در انجام آن موفق بودیم. البته بعد از کنار رفتن مصمصی از سرپرستی وزارت اقتصاد و روی کار آمدن سیدشمس‌الدین حسینی به عنوان وزیر اقتصاد، موضوع متفاوت شد و عملاً آن نگاه تند به مقوله نظام بانکی از وزارت اقتصاد خارج شد. البته اگرچه فعالیت‌های مصمصی در زمان سرپرستی وزارت اقتصاد و تغییرات مدنظر او در ساختار بانکی کشور به فرجام نرسید، اما از آنجا که آنها معتقد بودند بانک‌های تخصصی و توسعه‌ای باید به شرکت‌های تأمین سرمایه تبدیل شوند و بانک‌های تجاری صرفاً فعالیت‌های مبادله‌ای کنند، یکی از خروجی‌های این نگاه، رویش شرکت‌های تأمین سرمایه بود.

